

تأملی بر برنامه درسی در گستره تاریخ تعلیم و تربیت ایران

کلیدواژه: دوره های تاریخی، نظام آموزشی، برنامه درسی، برنامه ریزی درسی

خوشی، ابوالفضل MS*
فتحی واجارگاه. کورش Ph.D**

چکیده

هدف از این مقاله بازخوانی و تأملی بر برنامه درسی در گذشته تاریخ، تعلیم و تربیت ایران در سه دوره: ۱- قبل از اسلام ۲- بعد از اسلام (دوره اسلامی) ۳- معاصر می باشد، از این رو غواصی در دریایی عظیم و پرفراز و نشیب تاریخ ایران بزرگ در طول نزدیک به ۳ هزار سال از حیات تمدنی، کار بسیار سخت و بدلیل عدم تحقیق جدی و منظم و نظریه پردازی در حوزه تاریخ برنامه درسی ایران و فقدان الگوهای تجربه شده در فرآیند تحقیق سه رویکرد: ۱- برنامه درسی به عنوان سند و محتوا ۲- برنامه درسی به عنوان تجربه و یادگیری ۳- برنامه درسی به عنوان یک رشته علمی (قلمرو معرفتی) بعنوان ادبیات پژوهش انتخاب شد.

ضمن بیان مسئله تحقیق و شاخص های اساسی هر رویکرد، جدول هر دوره تاریخی مورد مطالعه با متغیرهای پنج گانه: ۱- هدف ۲- سازمان ۳- برنامه ۴- روش ۵- ارزشیابی در جداول جداگانه تنظیم و در پایان مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفت. در پایان مقاله به لزوم تدوین دایره المعارف تاریخ برنامه درسی ایران به عنوان مهمترین نیاز و استفاده از این گنجینه گرانقدر تاریخ تمدن سه هزار ساله ایران برای تعیین و تدوین ایدئولوژی برنامه درسی در نظام برنامه درسی ایران به عنوان نتیجه اشاره شده است.

مقدمه

می توان گفت که برنامه درسی گذشته ای طولانی ولی تاریخچه ای کوتاه دارد (تنروتر، ۱۹۸۰) هرچند مفهوم برنامه درسی در برنامه ها و تجویزهای اولیه تربیتی در همه ی اجتماعات متمدن به طور ضمنی وجود داشته، ولی برنامه درسی به عنوان یک زمینه پژوهشی منظم، از دهه ۱۹۲۰ به وجود آمده است (فوشی، ۱۹۶۹، ص ۲۷۵، کوپ من، ۱۹۶۶، ص ۲). کلیارد (۱۹۶۸) سال ۱۹۱۸ به عنوان نقطه عطف برنامه درسی به عنوان یک زمینه مطالعاتی جدید به وجود آمد، معرفی می نماید. بسیاری از صاحب نظران این حوزه، از حاکمیت روح غیر تاریخی بر حوزه برنامه درسی رنج برده، تلاش دامنه دار برای رفع این معضل از خود نشان داده است، از جمله تأسیس جامعه مطالعه تاریخ برنامه درسی^۱ (ssch) در سال ۱۹۷۷ که بنا بر شواهد موجود با جدیت، احساس و پشتکار تروجمعی دیگر از متخصصان تعلیم و تربیت پا به عرصه وجود گذاشته است.

یکی از قلمروهای نسبتاً جدید در برنامه ریزی درسی، تاریخ برنامه درسی^۲ است. اگرچه در حوزه تعلیم و تربیت، تاریخ تعلیم و تربیت به عنوان یک شاخه از مطالعات تربیتی به بررسی تاریخ برنامه های درسی پرداخته است اما تاریخ برنامه درسی به عنوان یک قلمرو تخصصی عملاً از دهه ۱۹۷۰ مورد توجه ویژه قرار گرفت. از لحاظ ساختاری، تاریخ برنامه درسی در حقیقت زیرمجموعه ای از تاریخ تعلیم و تربیت نیز می باشد زیرا همانطور که گاندم^۳ خاطر نشان

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (عج) و دانشجوی

دکترای برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی

** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

1 Society for the study of curriculum history
2 Curriculum History
3 Goundem

به جای مانده که نمونه آن معبد آناهیتا در کازرون واقع در استان فارس و معبد چغازنبیل در نزدیکی دزفول واقع در استان خوزستان است. [۳]

۱. ایران پس از اسلام در حوزه های معرفتی، فرهنگی، نگرش تاریخی متأثر از قرآن کریم (کتاب آسمانی مسلمانان) بوده است، اگرچه قرآن کریم همچون دیگر کتاب هابه مفهوم مصطلح یک کتاب تاریخی نیست بلکه کتابی است که به منظور هدایت و تربیت بشر نازل شده است [۴] و هدایت گر انسان ها به بهترین و استوارترین راهها در نیل به سعادت است [۵] با این حال حدود یک سوم آیات قرآن به بیان حوادث تاریخی و قصه های اَمّت های گذشته، پیامبران الهی، سلاطین، فراز و فرود تمدنها، زیر و بم زندگی گذشتگان و بیان تاریخ زندگانی رسول خدا و حوادث دوران شکل گیری اسلام و تحولات مربوطه پرداخته است و این نیز به خاطر تأثیری است که تاریخ در تربیت انسانها و معرفت آنان دارد.

مقاله حاضر در راستای شناسایی قلمروهای گوناگون تاریخ برنامه درسی ایران با مقایسه رویکردهای مختلف در قلمرو برنامه درسی و ویژگی های اساسی آن و با نگاه نو و نوآوری در طرح موضوعات جدید همت و مبادرت می نماید. در این راستا از راهنمایی های استاد ارجمند جناب آقای دکتر فتحی و جناب آقای دکتر موسی پور کمال سپاس و امتنان را دارد.

اهداف مطالعات تاریخی در برنامه درسی

نکته ای که در ابتدا لازم است بدان توجه شود این است که بررسی تاریخی پدیده ها چه هدفی را دنبال نموده و برای ما چه فایده ای را در بردارد. به بیان دیگر مهم ترین اهداف مطالعات تاریخی در حوزه برنامه درسی بویژه درسیرتحول تعلیم و تربیت در ایران چیست؟ در پاسخ به این پرسش اجمالاً می توان به نکاتی اشاره نمود که عبارتنداز:

ساخته است، تاریخ تعلیم و تربیت دارای دو قلمرو اصلی، تاریخ عقاید تربیتی و تاریخ نظام ها و مؤسسات تربیتی است. تاریخ برنامه درسی قلمرو سومی را نیز به تاریخ تعلیم و تربیت می افزاید و آن عبارت است از بررسی برنامه های درسی در ابعاد مختلف و در بستر زمان. [۱]

تاریخ برنامه درسی هم با تاریخ عقاید تربیتی و هم با تاریخ نظام ها و مؤسسات تربیتی ارتباط دارد زیرا از یکسو اندیشه های تربیتی از طریق برنامه های درسی به اجرا در می آیند و از دیگر سو در شکل گیری نظام های تربیتی و قوانین آنها، بایستی درخصوص برنامه های درسی تصمیم گیری شود. [۲]

تاریخ تعلیم و تربیت در ایران در سه قلمرو فوق دارای سابقه چند هزارساله می باشد، ایران در حد فاصل تمدن های دیرین در شرق و غرب قرار گرفته است. در ناحیه غرب آن، تمدن های کهنی مانند تمدن کهن مصر در سمت شمال آفریقا و تمدن یونانی در منطقه تلاقی اروپا - آسیا وجود داشت که در حرکت به سمت شرق، بر ایرانیان تأثیر می گذاشت. در ناحیه شرق آن، تمدن های کهنی مانند تمدن هندوچین حضور داشت که متقابلاً در حرکت به سمت غرب، در ایران تأثیر می گذاشت. راه ارتباطی این دو فرهنگ، جاده ابریشم بود که خط ارتباطی تمدن های غرب و شرق بوده و از ایران عبور می کرد.

بنابراین، ایران، سرزمینی است حد فاصل تمدن های غربی و شرقی که درعین بهره گیری از آنها، ازخودنیزایش های علمی و فرهنگی، تربیتی و تمدنی فراوانی در تاریخ داشته است. این امرزمینه ای را برای ایرانیان فراهم کرده که با آزاد اندیشی از سایر فرهنگ ها استقبال کرده و آنچه را برای رشد فرهنگ خودنیزادارند از آن برگرفته و آنچه درامتداد فرهنگ و ارزشهای آنها نیست، آن را به کنارگذارند. سوابق خلاقیت های فرهنگی، تربیتی، تمدنی ایرانیان به پیشینه ای بیش از هزاروپانصدسال پیش از میلاد بازمی گردد. معبدهای فراوانی پیش از عصر هخامنشی یعنی نزدیک به هزار و سیصد سال پیش از میلاد، در ایران

دوره‌های مختلف قبل و بعد از اسلام در ایران پرشش‌های مختلفی مطرح گردیده‌است که در این پژوهش سعی بر آن گردیده تا سیر تحول برنامه‌درسی در تاریخ تعلیم و تربیت ایران مورد بررسی قرار گیرد. اما باید توجه داشت که این مسئله دامنه گسترده‌ای دارد که تحلیل چگونگی مواجهه با برنامه‌درسی در دوره‌های مختلف تاریخ تعلیم و تربیت بخش عمده‌ای از آن است.

در تحلیل چگونگی مواجهه با برنامه‌درسی در دوره‌های مختلف تاریخ تعلیم و تربیت ایران یکی از سئوالات محوری و مطرح این است که آیا در دوره‌های مختلف تاریخ، برنامه درسی اصولاً مطرح بوده است یا خیر؟ کمیت و کیفیت متغیرهای مطرحه چیست؟ تبیین و نوع ارتباط در دوره‌های مختلف آیا به صورت شفاف و قانونمند وجود داشته است؟ در این محور علل پیوستگی و گسست یا رشد و افول، چرایی و چگونگی آن را در هر مقطع تاریخی مورد توجه قرار داده شود.

بررسی روند برنامه‌درسی در دوره‌های مختلف تاریخ تعلیم و تربیت ایران یکی دیگر از مسائلی است که لازم است در تاریخ برنامه‌درسی ایران بدان توجه شود. با وجود هزاران نام ایرانی در سلسله‌علماء و بزرگان دین و علم، باید به تلاش آنها در تعامل با تمدن‌های بشری و تبیین تبادلات فرهنگی و نقش برنامه‌درسی در این عرصه پرداخت. به بیان دیگر در این بخش مسئله اساسی این است که تمدن ایرانی که در طی قرون متمادی توانسته است در اثر تربیت انسان‌های فرهیخته و تاثیرگذار در سیر تحول علم و دانش به بالندگی تمدنی دیرپا نائل شود، از چه فرآیندی در برنامه‌درسی در جریان تعلیم و تربیت بهره برده‌است؟ در این راستا چگونه می‌توان سیر تحقق و تحول آن را به صورت نظام‌مند مورد مطالعه و بررسی قرار داد؟ آیا در جریان تحقق و تحول برنامه‌درسی در نظام تعلیم و تربیت ایران، رویکردهای موجود به برنامه‌درسی که امروزه اندیشمندان برنامه‌درسی بدان توجه دارند، مورد توجه بوده یا خیر؟

الف) بررسی علمی محتوای برنامه‌های درسی انتخاب شده در طول زمان.

ب) بررسی دلایل تغییر و یا عدم تغییر در برنامه‌های درسی و موضوعات آنها.

ج) ایجاد بینش عمیق تر در رابطه با فرآیند توسعه و بالندگی آموزش و پرورش.

د) نقادی فعالیت‌های انجام شده در ارتباط با برنامه‌های درسی و بررسی سنن و عادات در این زمینه.

هـ) مشخص کردن عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر اصطلاحات برنامه‌درسی در طول زمان

و) بسترسازی برای کمک به ایجاد و تکوین تئوری در حوزه برنامه‌ریزی درسی. [۱۰]

در این زمینه گودسون (۱۹۸۸) معتقد است که مطالعه تاریخ برنامه‌درسی از طریق آشکار کردن ماهیت برنامه‌درسی معاصر، از طریق ردیابی فرآیند تدوین و تغییر برنامه‌های درسی در طول زمان و از طریق روشن سازی فرآیندهای مربوط به تعریف، تغییر و تدوین برنامه‌های درسی را امکان پذیر می‌نماید.

بیان مسأله

همان‌گونه که پیش از این به نقل از اندیشمندان و صاحب‌نظران برنامه‌درسی در تحلیل رویکرد تاریخی بیان شد، بررسی تاریخی از چشم‌اندازهای گوناگونی می‌تواند صورت پذیرد، که ناگفته پیداست که چشم‌اندازی مملو و انباشته از پرسش‌ها و مسائلی است که پژوهنده در فرآیند پژوهش باید ناظر به آنها جهت و سمت‌وسوی پژوهش را سازماندهی نماید. از این رو تعیین چشم‌انداز مشخص در تحلیل تاریخی برنامه‌درسی برای انجام پژوهش به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی از ضروریات است. از آنجا که شناخت مستلزم فراهم آوردن دانش و اطلاعات پیرامون ویژگی‌های اصلی و فرعی یک پدیده‌است، در مورد موضوع پژوهش درگستره تاریخ برنامه‌درسی ایران در

انسانهاست. مقاومت هایی که در برابر رویکرد جدید به برنامه درسی از سوی بعضی از صاحب نظران تعلیم و تربیت در ایران می شود، این پرسش را به ذهن متبادر می سازد که چرا و چگونه چنین مقاومت هایی در مقابل رویکرد جدید به برنامه درسی وجود دارد، پاسخ به این پرسش، اهمیت مطالعه پیشینه برنامه درسی را در ایران دو چندان می سازد. تافلر^۱ که یک آینده نگر شناخته شده است می گوید:

تمام تعلیم و تربیت از برخی از تصورات در زمینه آینده سرچشمه می گیرد. اگر تصور یک جامعه از آینده به نحو بارزی نادرست باشد، نظام تربیتی آن به جوانان آن جامعه خیانت نموده است. [۱۵]

نوع نگاه به آینده را، گذشته و حال یک جامعه تعیین می نماید، اگر ملتی گذشته و حال خود را بصورت صحیح بشناسد و سپس نقد نماید باتمامی فراز و فرودهای تمدنی خود مانند ایران دچار از خود بیگانگی در مورد پدیده های تحول آفرین قرون جدید نمی شود بلکه با تکیه بر سوابق فرهنگی و تمدنی ملت ایران آینده درخشان و نوید بخش خود را در چشم اندازی روشن ترسیم خواهد نمود.

ادبیات پژوهش

صاحب نظران، رویکردهای گوناگونی را برای برنامه درسی بر شمرده اند، برای پیش گیری از تشتت در رویکردهای برنامه درسی و به منظور رعایت ضوابط مطالعه علمی در این پژوهش به بررسی سه رویکرد عمده زیر بسنده شد:

برنامه درسی به عنوان سند و محتوا^۲ (رویکرد سنتی): برنامه درسی را می توان به عنوان یک سند مکتوب در نظر گرفت که در بردارنده مجموعه ای از تصمیم هایی است که در خصوص برنامه درسی (پیش از آن که به مورد اجرا گذاشته شود) گرفته می شود

با توجه به این که سیر تحول و تطور تاریخ برنامه درسی در جهان در دایره المعارف و دانش نامه های به همین منظور در دهه های اخیر گردآوری شده است، پرسش اساسی این است که ایران به عنوان یکی از تمدن های باستانی بشریت در هر زمینه به چه میزان در این رشد و بالندگی سهم بوده است آیا در یک بررسی تطبیقی می توان به اشتراکات قابل قبول و توجهی در حوزه عمل ایرانیان در برنامه درسی و نظریه های موجود برنامه درسی معاصر رسید؟ چه شواهد و مستندات در تاریخ تعلیم و تربیت ایران برای هر یک از رویکردهای برنامه درسی در دوره های مختلف وجود دارد؟

در این بخش نیاز به مشاهده سند و واقعیت خارج از ذهن افراد می باشد، کتیبه ها و دست نوشته های تاریخی، آثار و بقایای تمدنی، شخصیت ها و آثار اخلاقی و سیره رفتاری آنها می توانند در بخش های مختلفی به عنوان مدارک مطرح و در جداول مشخصی بصورت تطبیقی و مقایسه ای به نمایش گذارده شود. برای پاسخ به پرسش های فوق و سئوالات مرتبط، جستجوی در تاریخ برنامه درسی ایران با رویکردهای مختلف امری ضروری است.

اهمیت و ضرورت مطالعه تاریخ برنامه درسی

درتعلیم و دستورات بزرگان همیشه توصیه به عبرت آموزی و دقت در تاریخ گذشتگان وجود دارد، حضرت علی (ع) می فرماید:

آیا در تاریخ و آثار گذشتگان برای شما درس و آموزش وجود ندارد که از خواب غفلت بیدارتان کند، در حوادث زندگی پدرانان عبرت و روشنگری نیست، چرا. اگر تعقل کنید درس ها و راهنمایی هایی وجود دارد. [۱۴]

تاریخ تربیت کننده انسانهای امروز، و انسانهای امروز سازنده تاریخ فردا هستند. در واقع انسانهای امروز مدیون تاریخ دیروز و مسئول تاریخ فردا هستند و از این جهت تاریخ یکی از مناسب ترین اسباب هدایت و تربیت

1 Toffler

2 Curriculum as a document

تردید به خود راه داد، اما در مقام تعیین چستی این قلمرو با مشکل مواجهیم (Goodla, 1975). بر اساس طرح ادبیات پژوهش سه رویکرد یاد شده به برنامه‌ریزی درسی در گستره تاریخ تعلیم و تربیت ایران به سه دوره پیش از اسلام، پس از اسلام و معاصر تقسیم می‌شود که در هر دوره هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی در جدول شماره ۱ نحوه سازماندهی و ارائه مطالب مشخص شده و مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است. [۱۸]

جدول ۱: برنامه درسی در دوره‌های تاریخی ایران

رویکردها / دوره‌های تاریخی	پیش از اسلام	پس از اسلام	معاصر
رویکرد سنتی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی
رویکرد تجربی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی
رویکرد رشته علمی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی	هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی

مورخین براساس رویکردهای گوناگون دوره‌های تاریخ ایران را به گونه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی نموده‌اند. رایج‌ترین تقسیم‌بندی مورخین، تقسیم‌بندی تاریخ ایران به سه دوره ایران باستان، ایران پس از اسلام و ایران معاصر است؛ که تاریخ ایران باستان با محوریت سلسله‌های حکومتی و پادشاهان ایرانی به دوره‌های هخامنشیان (۳۲۳ ق م - ۷۰۸ ق م)، سلوکیان (۲۵۰ ق م - ۳۲۳ ق م)، اشکانیان (۲۲۶ م - ۲۵۰ ق م)، ساسانیان (۶۵۰ - ۲۲۶ م) تقسیم می‌شود [۲۰].

شایان ذکر است که هریک از این دوره‌ها با لحاظ نظام آموزشی و برنامه‌درسی در راستای شکل‌گیری نظام

(مهرمحمدی، ۱۳۸۶) [۱۶]. برنامه‌درسی به این معنا هیچ ارتباطی با جریان آموزش ندارد و این دو حوزه را باید دو حوزه مستقل از یکدیگر قلمداد نمود (همان). در این معنا برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه‌ریزی درسی در برخی از موارد همپوشی دارد (تابا، ۱۹۶۲) [۱۷]. در ارتباط با برنامه‌درسی به عنوان سند و محتوا باید توجه داشت که آنچه که می‌باید به دانش‌آموز تدریس شود، به صورت انشایی و دستوری (از بالا به پایین)، بکارگیری واژه برنامه‌ریزی، توجه به برنامه‌ریزی درسی به عنوان محتوای دروس (نادیده انگاشتن عوامل بیرونی که به فرایند برنامه‌درسی مؤثرند)، تمرکز به محتوا، روش سازماندهی، روش آموزشی، توالی محتوا، مسائل انگیزشی و ابزارهای ارزشیابی (فتحی، ۱۳۸۶) و تأکید بر عناصر تشکیل‌دهنده فرایند برنامه درسی در داخل نظام آموزشی از ویژگی‌های اصلی این معنا از برنامه‌درسی است.

برنامه درسی به عنوان تجربه و یادگیری (رویکرد پیشرفت‌گرا)^۱: هدایت کلیه فعالیت‌هایی که توسط

مدرسه برنامه‌ریزی شده (sowell, ۱۹۹۷)، توجه به فعالیت‌هایی کلاسی و غیرکلاسی (تمرکز بر نقش یادگیری دانش‌آموز)، تأکید بر ابعاد بیرونی کنترل به جای رشد و پرورش درونی دانش‌آموز، نتیجه محور بودن در مقابل فرآیند محوری و تأکید بر محور قرار گرفتن دانش‌آموزان در ایجاد شرایط یادگیری از ویژگی‌های عمده برنامه‌درسی به معنای تجربه و یادگیری است.

برنامه‌درسی به عنوان یک رشته علمی (قلمرو معرفتی)^۲

در این معنا برنامه‌درسی به عنوان یک رشته مطالعاتی همچون سایر شاخه‌های علمی تلقی می‌شود. هرچند نسبت به وجود یک قلمرو معرفتی به نام برنامه‌درسی نمی‌توان

1 Curriculum As an experience

2 Curriculum As a discipline

آموزش و پرورش جدید قابل توجه و تامل است. شماره ۲ نمایش داده شده است. [۲۱]

برنامه درسی در تاریخ تعلیم و تربیت ایران باستان در جدول

جدول شماره ۲ برنامه درسی در تاریخ تعلیم و تربیت ایران باستان

هدف	سازمان	برنامه	روش	ارزشیابی
۱- تربیت و آراستن کودکان	۱- خانواده	۱- تعلیمات دینی و اخلاقی	۱- حدود اجرای برنامه	۱- میزان تحقق تربیت
به اخلاق ستوده	۲- آتشکده	۲- تربیت بدنی	مشخص می باشد.	افرادی نیرومند بلحاظ
۲- پدر و مادر مسئول تربیت،	۳- دربار پادشاهان	۳- خواندن و نوشتن و حساب	۲- دولت در تمام عوامل	اخلاقی و بدنی و
و در نیک و بد رفتار کودکان	۴- دانشگاه	۴- تقسیم ساعات شبانه روز	تربیت دخالت دارد.	مسئولیت پذیر
سهیم هستند.	۵- ارتش	به سه بخش:	۳- تعلیمات فنی و عالی	۲- میزان سلحشوری و رزم
۳- خدمت به اجتماع		الف) امور مذهبی و آموزشی	بصورت توأمان	آوری
۴- خدمت به خانواده و رفع		و کارهای خیر		۳- شاه دوستی و میهن پرستی
مسئولیت از پدر و مادر		ب) کشت و زرع و فعالیتهای		
۵- برتری هر فرد بر دیگران		اقتصادی		
		ج) غذا، تفریح و استراحت		

باید توجه داشت که اگرچه در تاریخ گذشته ایران هیچگونه نظریه‌ای که امروزه به عنوان رویکردهای برنامه درسی مورد توجه است وجود نداشته و ارائه نشده است، اما نگاه به تاریخ تعلیم و تربیت ایران حاکی از تجربه‌های بسیاری است که در تطابق با نظریه‌های ارائه شده در طی چند دهه گذشته، به نظر می‌رسد که این تجربه‌ها از مصادیق و شکل‌های عینیت یافته این نظریه‌هاست. به عنوان نمونه تجربه‌های برنامه درسی در ایران باستان در دو جدول مقایسه‌ای، برنامه درسی به عنوان سند و برنامه درسی تجربی در جداول شماره ۳، ۴ و ۵ نمایش داده شده است. داده‌های ارائه شده در این جداول اگرچه حکایت از تجربه‌های مطابق با برنامه درسی با رویکردها و نظریات گوناگون برنامه درسی دارند، اما این تطابق به معنای این نیست که در گذشته چنین نظریاتی منجر به این تجربه‌ها گردیده است. بلکه از این تجربه‌ها می‌توان نظریات موجود را استنباط نمود و حتی شاید دقت بیشتر در این تجربه‌ها بتواند مبنای نظریه‌پردازی‌های جدیدتر و بیشتری در حوزه برنامه درسی گردد.

جدول شماره ۳ رویکرد برنامه درسی در ایران باستان

برنامه درسی به عنوان سند (رویکرد سنتی)	برنامه درسی تجربی (رویکرد یادگیری و تجربی)
۱. آیین زرتشت و توصیه‌های اوستا	۱. برنامه تعلیمات دینی و اخلاقی و اجرای آن از سن ۷ تا ۱۶ سالگی برای کودکان
۲. فرامین کوروش کبیر	۲. تربیت بدنی و ورزشی جسمانی
۳. کتیبه‌های بیستون	۳. خواندن و نوشتن و حساب
۴. کتیبه‌های پاسارگاد	۴. تعلیمات فنی و عالی همزمان
۵. ترجمه کتب پزشکی، فلسفه، نجوم، یونانی و هندی به زبان پهلوی (دوره ساسانی)	۵. قوانین و نحوه اجرای آموزش به کودکان در محیط‌های مذهبی و آتشکده
۶. قانون همورابی	۶. آموزش تیراندازی و اسب
۷. نقش رستم	سواری بعنوان یک فرایند ذهنی، علمی و یادگیری اجباری
۸. دخالت دولت در تمام مراحل تربیت (بعنوان مثال دولت اسپارت)	

هم به لحاظ کیفی رشد چشم گیر و قابل توجهی داشته است. همانند دوره پیش از اسلام این تجربه‌ها در پنج بخش هدف، سازمان، برنامه، روش و ارزشیابی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است.

همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد نه تنها برنامه درسی در تاریخ تعلیم و تربیت ایران پس از اسلام (دوره اسلامی) از این قاعده مستثنی نیست بلکه همان گونه که در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود حجم این تجربه‌ها که در بررسی تاریخ تمدن ایران قابل مشاهده است هم به لحاظ کمی و

جدول شماره ۴: برنامه درسی در تاریخ تعلیم و تربیت ایران پس از اسلام (دوره اسلامی)

هدف	سازمان	برنامه	روش	ارزشیابی
۱. کسب ایمان	۱. تحصیل در مکتب خانه	۱. تعلیمات دینی و اخلاق	۱. نقش محوری معلم	۱. میزان تحقق تربیت انسان های با ایمان و دارای صلاحیت و کارآمدی برای اجتماع
۲. اخلاق نیکو	از سن ۱۶-۴ سالگی	۲. آموزش قرآن	۲. اعتدال در آموزش و شناخت توانایی کودکان	۲. تحقق نقش محوری به اسناد و محتوای اسلامی و دینی بوسیله هدایت عملی معلم.
۳. تندرستی	۲. تکیه بر نقش خانه و خانواده	۳. آموزش زبان	۳. روش های یادگیری و تشویق و تنبیه (تعلیم ذهنی، صنایعی، تلقینی، تقلیدی و تنبیهی)	۳. تحقق غنای رفتاری ایرانیان در پرتو تعالیم اخلاقی و انسانی اسلام
۴. سواد	۳. انتخاب استادان	۴. اشعار اخلاقی	۴. یادگیری منتهی به عمل	
۵. هنر	۴. مباحثه با همدرسان نجیب	۵. ورزش	۵. تأکید به معاشرت با افراد نیکو خصال	
۶. پیشه	۵. نقش محوری مسجد	۶. هنر		
	۶. مدرسه نخستین در سال ۳۰۴ (در آمل جنب آرامگاه ناصر کبیر)	۷. پیشه (صناعت و علم)		
	۷. معلمین: مدرس، نایب، معلم	۸. هر چه برای آموختن لازم است		
	۸. کتابخانه	۹. بهداشت		
	۹. داروخانه			

نشان می‌دهد که برخی از رویکردها در پیشینه تاریخی تعلیم و تربیت ریشه داشته ولی این سخن بدان معنی نیست که همه رویکردها الزاماً ریشه در تاریخ داشته و یا این که پیشینیان به نحوی از انحاء آن رویکردها را تجربه کرده باشند. به همین سبب به نظر می‌رسد رویکردهای سنتی و رویکرد یادگیری و تجربی در گذشته تجربه شده است ولی رویکرد معرفتی براساس یافته‌ها رویکردی است که کمتر مابه ازاء تاریخی داشته و یا کمتر مستندات تاریخی می‌توان برای آن ارائه نمود.

مقایسه برنامه درسی با رویکرد سنتی و رویکرد یادگیری و تجربی در ایران پس از اسلام (دوره اسلامی) در جدول شماره ۵ نشان داده شده است. اما همان گونه که در این جدول مشاهده می‌شود در رویکرد معرفتی تجربه‌ها یا برنامه‌های خاصی در تاریخ توسط پژوهنده یافت نشد. این امر می‌تواند ناشی از دو چیز باشد. نخست آن که شاید محدودیت‌های حاکم بر این پژوهش امکان یافتن تجربه‌هایی با این رویکرد را فراهم نساخته و این امر در پژوهش‌های دیگر و توسط افراد دیگر لازم است مجدداً مورد بازکاوی و بررسی قرارگیرد و دیگر این که همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد اگرچه بررسی تاریخی تعلیم و تربیت ایران

جدول شماره ۵ رویکرد برنامه درسی در ایران پس از اسلام (دوره اسلامی)

برنامه درسی به عنوان سند (رویکرد سنتی)	برنامه درسی تجربی (رویکرد یادگیری و تجربی)	(رویکرد معرفتی به برنامه درسی)
۱. آئین اسلام و توصیه های قرآن ۲. سیره پیامبر اسلام (ص) و ائمه (ع) ۳. تأثیر تفکرات و تألیفات اندیشمندان عصری، عسجدی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا سلجوقیان: خواجه نظام الملک، ناصر خسرو، امام محمد غزالی، عمر خیام، سنائی خوارزمشاهیان: خاقانی، نظامی، عطار، رومی، خواجه نصیرالدین طوسی، سعدی دوره مغول تا صفویه: اوحدی، جامی، دوانی، کشفی، صفویه: مجلسی، ملا احمد نراقی ۴. ترجمه کتب به عربی و از عربی به فارسی ۵. دخالت دولت در تمام مراحل تربیت (دوره صفویه اوج این دخالت است)	۱. تحصیل در مکتب خانه از سن ۱۴-۶ سالگی ۲. تکیه بر نقش خانه و خانواده ۳. تأکید بر نقش محوری استاد و انتخاب اساتید مختلف ۴. مباحثه با همدارسان واجد شرایط ۵. مسجد و کارکردهای مختلف در فرآیند یادگیری ۶. ظهور مدرسه در ایران ۷. تعلیمات همزمان در گرایش های مختلف قرآن، اخلاق، ورزش، زبان، پیشه ۸. آموزش بهداشت ۹. تعریف فرایند تربیت و رابطه معلم و دانش آموز در یادگیری (نظری و عملی)	

دانشمندان اسلامی در نگاه تاریخ

در این بخش لازم است علاوه بر رویکرد کلان نگر به فرآیند تعلیم و تربیت در پیشینه تاریخی به محصولات و یا جزییاتی از تاریخ برنامه درسی در ایران نیز اشاره نمود. در طول تاریخ تعلیم و تربیت علاوه بر آن که به افرادی که در این فرآیند بالندگی یافته اند به آثار مکتوب و آثار علمی آنان نیز اشاره می شود. شایان ذکر است که این آثار حکایت محتوای برنامه درسی در طول تاریخ برنامه درسی ایران داشته و دارد.

– **محمد موسی خوارزمی** (متوفی ۲۲۴ هـ) نخستین کتاب جبر و مقابله را در دنیا نوشت و معادلات درجه دوم را حل کرد- ترجمه کتابش به لاتین مدت چهارصد سال در دانشگاه های اروپا **کتاب درسی** بود.

– **ابوالوفا بوزجانی** (متوفی ۳۸۷ هـ) نخستین دانشمندی که مثلثات را عمل مستقل کرد و خلل را پیدا نمود و نخستین بار **جدول جیب و خلل** را تدوین کرد.

– **ابوریحان بیرونی** (متوفی ۴۴۰ هـ) معاصر ابن سینا بود گرد بودن زمین را مسلم می دانست. او این نظریه را پانصد سال قبل از کپرنیک و هفتصد سال پیش از نیوتن

قوه جاذبه و حرکت وضعی زمین و انتقال زمین را ابراز داشت.

– **عمر خیام** (متوفی ۵۱۷ هـ) نخستین کتاب کامل **جبر و مقابله** را تدوین کرد. وی معادلات را طبقه بندی نمود معادله درجه سوم را حل کرد و تقویم جلالی را تنظیم نمود.

– **خواجه نصیرالدین طوسی** نخستین کتاب **مثلثات کروی** را در جهان نوشت و چند اسباب رصد اختراع کرد.

– **جمشید غیاث الدین کاشانی** (متوفی ۸۳۸ هـ) موفق به محاسبه کسر اعشار شد و حدود ۱۰۰ جلد کتاب در باب شیمی نگاشت.

▪ پزشکی

در میان آثار ایرانیان آن چه بیش از همه حائز اهمیت است تولید علم و آثار مکتوب ایرانیان در زمینه های پزشکی و علوم زیستی است. لازم به تذکر نیست که این آثار در فرآیند تعلیم و تربیتی که امروزه از آن به عنوان تاریخ تعلیم و تربیت ایران یاد می شود تولید شده و به منصفه ظهور رسیده است. همچنین باید توجه داشت که علاوه بر

دوره حجم کثیری از ایرانیان به غرب عازم گردیده و پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشتند.

۳- پایان جنگ جهانی اول تا پایان دوره پهلوی دوم: رشد و گسترش نظام جدید آموزشی و تاسیس نهادهای جدید آموزشی و همچنین تغییرات کمی و کیفی در نظام تعلیم و تربیت کشور از اهم مسائل مربوط به این دوره است.

دوره اول از تاسیس دارالفنون تا انقلاب مشروطه

اگرچه به لحاظ قانونی و عملی اقدامات چندانی در خصوص رشد و گسترش نظام آموزشی در ایران صورت نپذیرفته ولی باید توجه داشت که از آنجا که اولین قوانین ملی در خصوص توجه به نظام آموزشی و برشمردن آن به عنوان حقوق اولیه مردم و همچنین تاسیس اولین مراکز آموزشی در این دوره، توجه به آن ضروری است. اهم اقدامات صورت گرفته در این دوره در راستای ایجاد گسترش نظام جدید آموزشی عبارتند از:

- تأسیس دارالفنون به دست ناصرالدین شاه سال ۱۲۶۰ با حدود ۱۵۰ نفر محصل
- رشته های تحصیلی: پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، طب و جراحی، داروسازی و شیمی
- مدرسه شامل دروسی از دبیرستان و از مدارس فنی و عالی بود.
- فعالیت عمده در این دوره ترجمه کتب به فارسی، علوم طبیعی، مکانیک، جغرافیا، جراحی، طب، کالبدشناسی، فیزیولوژی، علوم ریاضی، دژسازی، توپخانه و آموزش زبان فرانسوی بوده است.

دوره دوم از تأسیس مشروطه ۱۳۲۴ تا پایان جنگ جهانی اول ۱۳۳۲

این دوره اگرچه همزمان با بحران های جهانی است که اثرات آن به ایران نیز تاثیرات بسیاری داشته است ولی نسبت به دوره قبل اقدامات بیشتری در راستای رشد و

آنهايي که در ادامه از آنها یاد شده است افراد و اندیشمندان بسیاری بوده اند که به دلایل گوناگون نامی از آنها به میان نیامده است.

محمد ذکریای رازی (متوفی در ۳۲۰ هجری) در حدود ۱۳۱ جلد کتاب و رساله تألیف کرد که از آنها پنجاه جلد باقی است. از میان آثار او فرهنگ نامه طبی در بیست جلد بنام حاوی که در قرن هفتم هجری به لاتین ترجمه شد. و کتاب الجدری و الحصبه (آبله و سرخک) او تنها در انگلستان تا ۱۲۸۲ هجری چهار بار تجدید چاپ گردید.

علی عباس مجوسی (متوفی ۳۸۳) کتاب الملکی یا کامل الصناعه او به لاتین ترجمه و در مغرب زمین مدت زیادی مورد استفاده و آموزش بود.

ابن سینا کتاب قانون را در قرن ششم هجری در موضوع پزشکی نگاشت. این کتاب بعدها به لاتین ترجمه و به مدت پانصد سال در دانشگاه های اروپا به عنوان یک منبع مرجع و کتاب درسی برای رشته های پزشکی بود.

از تأسیس دارالفنون تا پایان سلطنت پهلوی دوم (۱۳۵۷ - ۱۲۳۰ شمسی) (۱۳۹۷ - ۱۳۶۸ قمری)

تاریخ معاصر ایران همان گونه که پیش از این نیز بیان شد به سه دوره عمده تقسیم می شود. اولین دوره از تاریخ معاصر ایران مصادف با نظام تعلیم و تربیت جدید است. در حقیقت در این دوره تحول بنیادین و اساسی را در اهداف، روش، برنامه و نهادهای تعلیم و تربیتی می توان مشاهده نمود.

۱- تأسیس دارالفنون در (۱۲۶۸) تا انقلاب مشروطه (۱۳۲۴). در این دوره اولین قوانین پیرامون نظام تعلیم و تربیت، در قانون اساسی کشور به تصویب رسیده است.

۲- مشروطه (۱۳۲۴) تا پایان جنگ جهانی اول (۱۳۳۷). این دوره، دوره آشنایی ایران با نظام تعلیم و تربیت دنیای مدرن در مغرب زمین است. در این

- اعزام دانشجو به خارج از کشور شش سال متوالی در هر سال ۱۰۰ نفر از سال ۱۳۰۷
 - تأسیس دانشگاه تهران (۱۳۱۳).
 - بر حسب قانون بودجه دبستان های دولتی در سال ۱۳۱۲ رایگان اعلام شد.
 - تأسیس مراکز تربیت معلم در ۲۵ باب با عنوان دانشسرای مقدماتی (۱۳۱۲).
 - تأسیس کودکستان (۱۳۱۲).
 - تأسیس دانشکده پزشکی (۱۳۱۳).
 - تأسیس فرهنگستان ایران (۱۳۱۴).
 - تأسیس موزه ایران (۱۳۱۷).
 - چاپ کتب درسی به تعداد هشتاد کتاب در سال ۱۳۱۷ در رشته های مختلف
 مراجعه به آمار ارائه شده نشان می دهد که تعداد معلم و دانش آموز در سراسر ایران ۱۰۹ هزار دانش آموز و ۶۰۰۰ معلم در سال ۱۳۰۴ بوده است که این آمار به ۵۳۶ هزار دانش آموز و ۱۴۰۰۰ معلم در سال ۱۳۲۰ رسیده است.

دوره حکومت محمدرضا پهلوی (پهلوی دوم ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)

عمده ترین دوره نظام جدید آموزشی مربوط به دوره حاکمیت پهلوی دوم می شود. در این دوره دوبار نظام آموزشی ایران دستخوش تحولات عمده گردید. اگرچه اقدامات صورت پذیرفته برای رشد نظام آموزشی کشور کفایت نمی نمود ولی این اقدامات در گسترش نظام آموزشی جدید نسبت به دوره های پیش از آن از گستردگی جدی برخوردار بود. یکی از عمده ترین ویژگی های این دوره حاکمیت نظام برنامه ریزی درسی متمرکز و ترویج محتوای درسی متمرکز است که مسئولیت آن برعهده سازمان برنامه ریزی و تدوین کتب درسی زیر نظر وزارت آموزش و پرورش بوده است. تامین نیروی آموزشی مورد نیاز وزارت آموزش و پرورش در مقاطع آموزش عالی و دایر نمودن دوره های تربیت

گسترش نظام آموزشی صورت پذیرفته است که اهم آنها عبارتند از:

- اعزام دانشجو به خارج (۱۲۷۲) و تشکیل وزارت علوم
- اعتضادالسلطنه که ریاست دارالفنون را از آغازه عهده داشت به وزارت علوم منصوب شد و ۲۲ سال در این سمت باقی بود.
- مدارس جدید (۱۲۹۰) توسط میرزا حسین خان سپهسالار، کاخ بهارستان و مدرسه سپهسالار ساخته شد.
- در سال ۱۳۰۰ مدرسه نظام در اصفهان تأسیس شد.
- در سال ۱۳۱۵ تشکیل انجمن معارف.
- در سال ۱۳۱۷ تشکیل مدرسه علوم سیاسی.
- در سال ۱۳۱۸ تشکیل مدرسه فلاح (کشاورزی)
- در سال ۱۳۲۴ تشکیل مشروطه و تدوین قانون اساسی
- روزنامه ها : تربیت - دانش - علمیه و دولت علیه ایران ، فقط ادبی و علمی بود و در سیاست دخالت نداشتند.
- در سال ۱۳۲۴ در ایران از هر هزار نفر فقط ۲ نفر به مدرسه می رفتند.

دوره سوم از پایان جنگ اول جهانی تا آخر سلطنت رضا شاه (۱۳۲۰ - ۱۲۹۷ شمسی و ۱۳۶۰ - ۱۳۳۷ قمری)

- اهم فعالیت ها در حوزه تعلیم و تربیت ایران در این دوره عبارتند از:
- اعزام ۱۵۰ نفر جهت تربیت در دوره معلمی به فرانسه
 - نخستین اقدام دولت به تربیت معلم ۱۲۹۰ شمسی (۱۳۲۹ قمری)
 - نخستین کانون اساسی فرهنگ و مجلس دوم (۱۲۹۵ شمسی)
 - تشکیل شورای عالی فرهنگ در سال ۱۳۰۰

در همین راستا در سال ۱۳۵۲ اولین حرکت اصلاح برنامه درسی برای تقویت دروس پایه، برقراری نظام مشاوره و هدایت تحصیلی دانش آموزان، افزایش تنوع درسی در مدارس متوسطه بوجود آمد. اما رشد روزافزون جمعیت، موجب ناکافی بودن روند گسترش و رشد نظام آموزشی گردیده بود. در سال ۱۳۵۵ جمعیت کل کشور ۳۴ میلیون نفر محاسبه شد. میزان جمعیت با سواد هفت سال به بالا ۴۷/۵ درصد (در مناطق شهری ۶۵/۴ و در مناطق روستایی ۳۰/۵ درصد) مورد محاسبه قرار گرفته است. [۲۴]

در این دوره برنامه درسی به صورت متمرکز و توسط مراکزی که در وزارت آموزش و پرورش قرارداد داشت برای کل کشور صورت می گرفت. اگرچه در طی سالها و دهه های گذشته روند تدوین برنامه و محتوای درسی بارها مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته بود ولی با این حال نظام برنامه درسی متمرکز از ویژگی های اساسی این دوره از تاریخ تعلیم و تربیت جدید ایران است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ - ۱۳۸۷)
ظهور و بروز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ تحولات بسیاری را در جامعه ایران بدنبال داشت. یکی از مهمترین عرصه هایی که این تحولات را در برداشته است عرصه نظام آموزشی ایران بوده است. اگرچه امروز بسیاری بر این باورند که تحولات مورد نظر ایدئولوژی حاکم بر انقلاب در نظام آموزشی آن، آنچنان که باید و شاید ظهور بروز ننموده است، ولی در طول سی سال گذشته اقدامات بسیاری برای نیل به اهداف تعلیمی و تربیتی حاکم بر ایدئولوژی انقلاب اسلامی صورت پذیرفته است که اهم این فعالیت ها در حوزه ساختاری تعلیم و تربیت عبارتند از: تشکیل دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش طی سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ جزء اولین اقداماتی بوده است که در راستای تحول نظام آموزشی ایران صورت پذیرفته است. در سال ۱۳۶۱ طرح کاد در کلیه رشته های نظری دوره

معلم و رشته های دبیری از ویژگی های اصلی این دوره است. برخی از عمده فعالیت های این دوره را می توان به شرح زیر بیان نمود.

- تأسیس دانشگاه تبریز ۱۳۲۶
- تأسیس دانشگاه اصفهان ۱۳۲۸
- تأسیس دانشگاه شیراز ۱۳۳۵
- تأسیس دانشگاه اهواز ۱۳۳۷
- در سال ۱۳۳۹ تأسیس مرکز تربیت معلم در تهران.
- در سال ۱۳۴۰ تأسیس مرکز تربیت معلم حرفه ای دختران در تهران.
- در سال ۱۳۴۱ دانشسرای عالی صنعتی نارمک تهران تأسیس شد.

در کتاب وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران تألیف آقای اقبالی یغمائی (۱۳۷۵) به وزیران علوم از ابتدا تا وزیر شماره ۹۹ اشاره شده است. اولین وزیر علوم ایران آقای علی قلی خان اعتضادالسلطنه، به دوره وزارت او از سال ۱۲۳۹ شمسی تا ۱۲۵۹ شمسی بمدت ۲۰ سال بوده است. نودونهمین وزیر علوم آقای مهدی آذربوده که دوره وزارت وی از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ شمسی بوده است. [۲۳]

بعد از سال های ۱۳۳۰ رشد و گسترش نظام آموزشی به نحو چشم گیری افزوده شد ولی با تمام این احوال براساس آمار ارائه و ثبت شده باتوجه به رشد آموزش و پرورش در سال ۱۳۴۸ طبق آمار سرشماری قریب ۳۸/۲ درصد افراد بالای ده سال بی سواد بوده اند. این آمار در بعضی از استان ها مثل ایلام تا ۸۰ درصد و در روستاها به ۹۵ درصد آمار بی سواد می رسد.

دهه ۱۳۴۰ در سیر تحول نظام آموزشی ایران نقطه عطفی به شمار می آید. در آذرماه ۱۳۴۳ و بهمن ماه ۱۳۴۶ به موجب قانون، وزارت فرهنگ به سه وزارت خانه وزارت آموزش و پرورش عهده دار تعلیمات عمومی، وزارت علوم و آموزش عالی که عهده دار تعلیمات عالی و تحقیقات علمی شد، و وزارت فرهنگ و هنر که عهده دار حفظ و توسعه میراث فرهنگی شد، تقسیم شد.

پس از انقلاب و شاخصی برای بررسی عملکرد نظام آموزشی در طی سی سال گذشته باشد.

آشنایی اجمالی با تشکلهای آموزشی و پژوهشی برنامه درسی در ایران

▪ **انجمن مطالعات برنامه درسی ایران I.C.S.A**^{۱۹}: این انجمن که در سال ۱۳۷۸ تأسیس گردید اولین مجمع عمومی خود را در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۸ برگزار نمود. در این نشست دکتر حسن ملکی، دکتر قورچیان، دکتر موسی پور و دکتر حسن میرلوحی به عنوان اولین اعضاء هیئت مدیره انتخاب گردیدند. در حال حاضر اعضاء هیئت مدیره این انجمن دکتر محمود مهرمحمدی، دکتر محمد عطاران، دکتر کورش فتحی واجارگاه، دکتر محمد علی میرزاییگی و خانم دکتر محبوبه عارفی مسئولیت اداره این انجمن را عهده دار هستند. برگزاری همایش های علمی و پژوهشی، انتشارات فصلنامه مطالعات برنامه درسی، انجام پژوهش های علمی و... از عمده فعالیت های این انجمن در طی سال های گذشته بوده است.

[۲۶]

▪ **سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی)**^{۲۰}: این سازمان یکی از سازمان های وابسته به وزارت آموزش و پرورش است و ساختار و تشکیلات آن تابع وزارت آموزش و پرورش می باشد، که همان گونه که پیش از این بیان شد تأسیس آن به دوره پهلوی دوم مربوط می شود. پس از انقلاب اسلامی این سازمان فعالیت های خود را در قالب دو پژوهشکده برنامه ریزی درسی و ارزشیابی و نوآوری های آموزشی به انجام رسانده است.

متوسطه در سطح کشور به منظور جبران خلاءهای ناشی از فاصله آموزش نظری و یادگیری متناسب با نیازهای واقعی به مرحله اجرا درآمد. تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۶۱ به منظور تأمین شرایط مناسب برای روحیه جستجوگری و علم آموزی و جبران خلاءهای ناشی از کاستی های آموزش عالی از اقدامات عمده در پس از انقلاب به شمار می رود. در آذرماه ۱۳۶۳ در راستای ایجاد تحولات بنیادین در نظام تعلیم و تربیت و بویژه در آموزش عالی، شورای عالی انقلاب فرهنگی با ترمیم اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی موجودیت یافت. در بهمن سال ۱۳۶۳ شورای عالی برنامه ریزی به دلیل عطف توجه ویژه به محتوای کتاب های درسی تشکیل شد. این شورا متشکل از ۸ گروه برنامه ریزی، ۶۸ کمیته تخصصی، ۴۵ کمیته فرعی، کمیسیون دایمی، و بیش از ۷۵۰ عضو رسمی بود. تشکیل شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۶۴ از اقدامات عمده ای بوده که سعی داشته است تا با مطالعه نظام های آموزش و پرورش کشورهای دنیا و براساس نیازمندی های کشور به طراحی و تدوین ساختار جدید نظام آموزشی همت گمارد. نتایج دست آوردهای این شوراهرگز تمام و کمال به اجرا در نیامد و تنها بخشی از آن در مقطع متوسطه در طی سال های ۱۳۸۰ به بعد به اجرا گذاشته شد، که تا کنون چندبار دستخوش تغییر گشته است.

تأسیس دانشگاه پیام نور (۱۳۶۶)، تشکیل شورای تحقیقات وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۶)، اجرای شدن فعالیت شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۶ و ارائه طرح مهندسی اصلاحات آموزشی از طرف وزیر وقت در سال ۱۳۸۱ از جمله اقداماتی است که در طول این دوره صورت پذیرفته است. [۲۵] شایان ذکر است که در طی این سال ها کتب و منابع درسی بارها مورد تغییر و بازنگری قرار گرفته و اصلاحات، تغییرات عمده و جزئی بسیاری در آنها صورت پذیرفته است که خود می تواند حکایت از نگرش حاکم بر نظام آموزشی

19 نشانی دبیرخانه انجمن: تهران - خیابان ایرانشهر شمالی - کوچه

خسرو - پلاک ۴ طبقه اول -

سایت انجمن

WWW.ICSA.ORG.IR

20 WWW.RICI.AC.IR

پذیرفته و با تغییر ملاحظات تقسیم‌بندی‌های ارائه شده در این تبارشناسی‌ها هم می‌تواند تغییر نماید. در نتیجه پذیرش یا عدم‌پذیرش اندیشمندان و محققان در این تقسیم‌بندی‌ها نه تنها خللی ایجاد نمی‌نماید بلکه بستر را برای ارائه ملاک‌ها و شاخص‌های دیگری برای تقسیم‌بندی‌های جدید فراهم می‌آورد. همان‌گونه که هنگامی که جان دیویی را به عنوان پیشرفت‌گرا لقب دادند او از پذیرش چنین عنوانی امتناع ورزید و هرگز خود را فیلسوف تعلیم و تربیت پیشرفت‌گرا نمی‌دانست.

به منظور تسهیل تبارشناسی مطالعات برنامه‌درسی در دوران معاصر سعی شده‌است که دانش‌آموختگان، پژوهشگران و اساتیدی که در حوزه برنامه‌درسی فعالیت علمی، آموزشی و پژوهشی داشته‌اند را در چهارگروه متقدمان و مترجمان، مروجان یا مریبان، تشعب‌گرایان (شعبه‌گرایان یا پیروان مکاتب جدید مطالعاتی در برنامه‌درسی) و نوآوران تقسیم کردند. جایگزینی افراد در هر یک از چهارگروه موردنظر براساس تالیفات و آثاری است که از آنها به جای مانده و یا آنها ارائه نموده‌اند.

▪ متقدمان و مترجمان

دکتر عیسی صدیق با تأثر از رویکرد رایج در غرب جزء پیشگامانی بوده است که به تدوین تاریخ فرهنگ و تعلیم و تربیت ایران همت گماشته است. همچنین دکتر شریعتمداری متأثر از تحصیلاتی که در آمریکا و از اندیشه‌ها و تفکرات دیویی و شاگرد وی اسمیت داشته، او را می‌توان در زمره متقدمان به شمار آورد. دکتر فریده مشایخ را نیز با توجه به فعالیت‌هایی که در ارتباط با نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو داشته، می‌توان در شمار متقدمان دانست.

▪ مروجان و مریبان

در طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۶۳ در نظام آموزشی ایران بالغ بر ۱۲۷ نفر مقاطع کارشناسی‌ارشد و دکترای برنامه‌ریزی درسی تحصیل نموده‌اند. عمده این افراد جذب نظام

انتشار مجله علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی با درجه علمی - پژوهشی از تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۶ و انجام طرح‌های پژوهشی از سال ۱۳۸۷ و حمایت از بالغ بر ۱۲۷ عنوان پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و دکترای برنامه‌ریزی درسی از عمده فعالیت‌های این موسسات در این سازمان بوده است. یکی از عمده تلاش‌های این سازمان تلاش در جهت راه‌اندازی رشته برنامه‌ریزی درسی بوده است که پس از پی‌گیری‌های مستمر توسط شورای عالی برنامه‌ریزی در جلسه ۹۶ مورخ ۶۷/۷/۱۱ دوره دکتری برنامه‌ریزی درسی همراه با دستورالعمل اجرایی به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید.

برگزاری همایش سالانه برنامه‌درسی به ترتیب با عناوین برنامه‌درسی و پرورش تفکر، رویکرد تلفیقی به برنامه‌درسی، برنامه‌درسی در عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، ارزیابی وضع موجود و ترسیم چشم‌انداز مطلوب، تمرکز و عدم‌تمرکز در فرآیند برنامه‌درسی و نوآوری در برنامه‌درسی دوره ابتدایی ایران که در خلال سال‌های ۸۰ تا ۸۵ برگزار شده است، می‌توان از عمده فعالیت‌های این سازمان یاد نمود. [۲۷]

چهار نسل برنامه‌درسی در ایران معاصر

شاید اکنون با پیشینه‌ای که از نظام آموزشی سراغ داریم و همچنین با اندوخته‌ای که در طی قرون و سالیان متمادی در زمینه برنامه‌درسی بدست آورده‌ایم لازم باشد که به نوعی تبارشناسی در حوزه برنامه‌ریزی درسی مبادرت نماییم. اگرچه شاید این تبارشناسی و تقسیم‌بندی‌ها به مذاق بسیاری از اندیشمندان مطلوب نباشد، ولی به هر حال باید توجه داشت که تبارشناسی در حوزه‌های مطالعاتی برای انجام مطالعات و پژوهش‌های بعدی بسیار راه‌گشا خواهد بود. همچنین باید توجه داشت که تبارشناسی‌های انجام گرفته و تقسیم‌بندی‌هایی که در خلال آنها ارائه شده و می‌شود امری قراردادی است. یعنی این که این تبارشناسی‌ها و تقسیم‌بندی‌ها به لحاظ‌های خاصی صورت

آموزشی در آموزش و پرورش یا آموزش عالی گردیده‌اند که علیرغم فعالیت‌های جسته و گریخته علمی و پژوهشی تاثیر چندانی جز در حوزه ترویج تفکر برنامه‌درسی نداشته‌اند، در نتیجه شاید بتوان عمده تاثیر این گروه را ترویج تفکر برنامه‌درسی از طریق آموزش است.

▪ تشب‌گرایان - حوزه‌های مطالعاتی جدید

با تحولاتی که در طی چند دهه گذشته در حوزه مطالعات برنامه‌درسی بروز نموده است برخی از صاحب‌نظران برنامه‌درسی در ایران نیز به این نتیجه رسیده‌اند که لازم است در انجام مطالعات برنامه‌درسی به صورت تخصصی اقدام نمایند. از این‌رو در طی سال‌های اخیر ظهور اندیشمندانی که مطالعات خودرابه حوزه‌های تخصصی در برنامه‌درسی اختصاص داده‌اند یکی از ویژگی‌های این دوران است. با توجه به آثار منتشره از سوی دکتر مهرمحمدی می‌توان نتیجه گرفت که ایشان بیش از هر چیز به مباحث نظری و تبیین مفاهیم مندرج در برنامه‌درسی همت گماشته است. دکتر فتحی که در ابتدا به مطالعات ارزیابی و اندازه‌گیری در برنامه‌درسی گرایش داشت اخیراً مجموع فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود را در مطالعات آموزش عالی تمرکز بخشیده و در نتیجه بیش از هر چیز به برنامه‌درسی آموزش عالی توجه دارد. در میان صاحب‌نظران برنامه‌درسی دکتر موسی‌پور بیش از هر چیز به مباحث تاریخی (تاریخ برنامه‌درسی در ایران و جهان) گرایش داشته و در این زمینه اقدام به مطالعه، پژوهش و فعالیت نموده است. دکتر علم‌الهدی یکی دیگر از صاحب‌نظران برنامه‌درسی است که سعی دارد رویکردهای فلسفی در برنامه‌درسی را مورد توجه قرار دهد. از این رهگذر وی با بررسی فلسفه اسلامی سعی دارد با توجه به رویکرد فلسفه صدرایی (به عنوان فلسفه غالب در میان مسلمانان) به برنامه‌درسی توجه نماید. دکتر حسن ملکی نیز در برخی از آثار خود چنین دغدغه‌ای را بیان داشته و گاهی ضرورت مباحث فلسفه برنامه‌درسی و بومی‌سازی برنامه‌درسی را مطرح ساخته است.

▪ نوآوران

مجموع مطالعات انجام گرفته در حوزه برنامه‌درسی حاکی از آن است که اندیشمندان و صاحب‌نظران در ایران به عناوین متقدم، مروج و تشب‌گرایان بیش از هر چیز با اندکی تاخیر درصدد دنبال‌روی از اندیشه‌های مطرح در دنیا بوده‌اند. به همین دلیل با مطالعه دیدگاه‌ها و آثار موجود می‌توان نتیجه گرفت که اندیشه‌های مطروحه به لحاظ تاریخی فاقد انسجام و پیوستگی لازم برای رفع مشکلات نظام آموزشی بوده است. به عنوان مثال در یک مرحله آثار متوجه تمرکز و عدم تمرکز در نظام آموزشی شده است ولی بررسی علت آن نشان می‌دهد که این امر نه بدلیل احساس ضرورت این مطالعات در داخل بوده و یا این که آیا تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌درسی ارتباطی با ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه ایران دارد یا خیر، بلکه بیشتر با مباحث مطروحه در سراسر دنیا مورد توجه بوده است. به همین دلیل در بخش نوآوری در حوزه برنامه‌درسی تقریباً اثر مهم و قابل توجهی قابل مشاهده نیست و از هیچ یک به عنوان نوآور در حوزه برنامه‌درسی نمی‌توان یاد کرد.

نتیجه و جمع بندی

به منظور تحول در عرصه برنامه‌درسی و گسترش اساسی آن نیاز به نظریه‌پردازی در حوزه تاریخ برنامه‌درسی ایران یکی از نیازهای اساسی بعنوان مطالعه حوزه معرفتی یک ضرورت انکارناپذیر است. در این راستا به نظر می‌رسد تدوین دایره‌المعارف جامع از تاریخ برنامه‌درسی ایران با سه رویکرد ذکر شده در تحقیق و تعمیم یافته‌های ماندگار در حوزه تربیت و تمدن ایران با پشتوانه فرهنگ سه هزار ساله باعث غنا، توسعه و نظریه‌پردازی در برنامه‌درسی ایران می‌باشد.

همان گونه که یافته‌ها نشان داد جامعه ایران در دوره اسلامی و پس از انقلاب اسلامی و حتی تا حدودی در دوره ایران پیش از اسلام با رویکرد ایدئولوژیک بعنوان

فلسفه برنامه درسی یکی از عمده مسائل و مشکلاتی بوده است که در طول تاریخ بویژه در دوره جدید نظام آموزشی گریبان گیر بوده است. این امر به صورت مستقیم ارتباطی با برنامه درسی ندارد بلکه ریشه در فلسفه تعلیم و تربیت در ایران دارد. از آنجا که در دوره جدید تعلیم و تربیت ایران به نوعی تشویش و بلاتکلیفی در فلسفه تعلیم و تربیت مشاهده می شود همین امر به فلسفه برنامه درسی در نظام آموزشی نیز سرایت نموده است. اخیراً تلاش هایی بر پایه فلسفه تربیت اسلامی - ایرانی (رویکرد جدید) در شرف وقوع است تا از این رهگذر بتوان به فلسفه برنامه درسی مدونی نائل آمد، اما تا به نتیجه رسیدن آن هنوز فاصله بسیاری وجود دارد.

در این رهگذر توجه به فلسفه سیاسی و اجتماعی جامعه ایران در طول تاریخ گذشته، بایمورد توجه برنامه ریزان قرار گیرد. امید است که بتوان با چنین اقدام هایی به نیازهای اجتماعی کشور که اهم آنها در چشم انداز بیست ساله و برنامه های متوالی پنج ساله می باشد با همه ابعاد آن در تار و پود برنامه درسی ملاحظه شود.

فهرست منابع و مآخذ

1-Goundem, B.B. History of curriculum. international Encyclopedia of Education, 1994.

- ۲- فتحی و اجار گاه ، کورش ، اصول برنامه ریزی درسی، انتشارات ایران زمین، چاپ پنجم سال ۱۳۸۶ ، صفحه ۳۳ .
- ۳- جعفریان ، رسول ، مقالات تاریخی، جلد چهارم ، انتشارات دلیل ، چاپ اول سال ۱۳۷۹ صفحه ۳۲۵ و ۳۲۲ .
- ۴- قرآن کریم، سوره بقره ، آیه ۱۸۵ .
- ۵- همان ، سوره اسراء ، آیه ۹ .
- ۶- همان ، سوره بقره ، آیه ۲۶۰ .
- ۷- همان ، سوره یوسف ، آیه ۱۱۱ .
- ۸- همان ، سوره آل عمران ، آیه ۱۳۷ .
- ۹- همان ، سوره انفال ، آیه ۵۳ .

یک واقعیت عینی با برنامه درسی مواجه شده است. بررسی ایدئولوژی برنامه درسی در ایران یکی از ضروریاتی است که در بررسی برنامه درسی نظام آموزشی ایران ضروری به نظر می رسد. همان گونه که در طی سه دهه اخیر در دنیا بررسی ایدئولوژی های برنامه درسی یکی از حوزه های مهم و مطرح گردیده است. از ویژگی های اصلی نظام آموزشی ایران در تمامی دوره ها و فراز و نشیب های تاریخی، هویت ملی، دینی خود را حفظ کرده است (رمز ماندگاری). این یکی از ایدئولوژی هایی است که امروزه در مطالعات برنامه درسی از آن به عنوان ایدئولوژی کارآمدی اجتماعی یاد می کنند. این ویژگی در این نظام چندان غالب بوده که علیرغم اشغال ایران در دوره های گوناگون در مدت کمی بر اشغالگران بلحاظ فرهنگی چیره شده است.

از آنجا که دین اسلام در کلیه شئون مردم ایران نفوذ داشته و با توجه به موقعیت جغرافیایی با سه تمدن بزرگ چین، هندوستان و اروپا تعامل داشته باین حال این تعامل همیشه علاوه بر منافی که برای ایران داشته است ولی آسیب هایی را نیز دربر داشته است. یکی از این آسیب ها این است که علیرغم تاکید آموزه های دینی به ویژگی ها و نیازهای فراگیران و کودکان در فرآیند رشد، اما به ندرت می توان دوره ای را یافت که نظام آموزشی ایران به معطوف به ایدئولوژی یادگیرنده محور گردد. حتی با روی کار آمدن پهلوی اول و دوم این رویکرد به گونه دیگری باز معطوف به ایدئولوژی کارآمدی اجتماعی بوده است.

متأسفانه در اثر ناکامی و اشغال، دنیاگریزی در گذشته جزء ادبیات رایج مردم بود و بدین سبب تولید ثروت در بین آحاد ملت ایران محدود بوده است. همین امر باضافه عوامل دیگر موجب شده است که ایدئولوژی بازسازی اجتماعی در هیچ برهه ای از تاریخ تعلیم و تربیت ایران مورد توجه قرار نگیرد. در این میان شاید بتوان گفت که تنها در دوره پهلوی دوم آثار هرچند اندکی را از گرایش به ایدئولوژی پژوهشگر آموزشی می توان یافت.

۱۸- صدیق ، عیسی ، دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۳۹ ، صفحه ۶ تا ۳۰ .

۱۹- مدنی ، سید جلال الدین مدنی ، تاریخ سیاسی معاصر ایران ، جلد اول ، انتشارات اسلامی چاپ نهم ، سال ۱۳۷۸ ، صفحه ۱۳ تا ۲۲ .

۲۰- ره گیرشمن، ترجمه محمد معین ، ایران از آغاز تا اسلام ، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ یازدهم ، سال ۱۳۷۵

۲۱- منبع شماره ۱۸

۲۲- شمیم، علی اصغر ، ایران در دوره سلطنت قاجار، انتشارات مدبر ، چاپ هفتم، ۱۳۷۵

۲۳- یغمائی ، اقبال، وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، مرکز نشر دانشگاهی (تهران) چاپ اول، سال ۱۳۷۵.

۲۴- آقازاده ، احمد ، تاریخ آموزش و پرورش ایران، انتشارات ارسباران، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۶، صفحه ۱ تا ۵۰

۲۵- همان ، صفحه ۳۰ تا ۵۰

۲۶- انجمن مطالعات برنامه درسی ایران I.C.S.A سایت انجمن www.icsa.org.ir

۲۷- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش (مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوریهای آموزشی

www.RICL.AC.IR

۱۰- فتحی و اجارگاه ، کورش ، اصول برنامه ریزی درسی، انتشارات ایران زمین، چاپ پنجم سال ۱۳۸۶ ، صفحه ۳۴ و ۳۵ .

11- Schubert,W.H.Curriculum History. International Encyclopedia of Education, 1985 .

۱۲- شریعتمداری ، علی ، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر (تهران) ، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۳ ، صفحات ۲۷ و ۳۴ .

۱۳- جرالدا، گوتک، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه دکتر محمدجعفر پاک سرشت ، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، چاپ ششم، بهار ۱۳۸۶، صفحات ۱۳۹ و ۲۰۷ و ۲۱۷ و ۲۲۶ و ۲۳۴ و ۲۴۴ تا ۲۷۹ و ۲۸۴ تا ۲۹۳ تا ۳۱۲ .

۱۴- امام علی (ع) ، نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح ، خطبه ۹۹ .

15- j. Abner Pener Peddiwell, the saber – Tooth Curriculum (Newyork: MC Graw – Hill Book Company, 1939), (PP.41-44)

۱۶- مهرمحمدی، محمود، برنامه درسی و آموزش، حوزه های علمی مستقل یا ...؟ نشریه پژوهش در مسائل تربیتی، سال ۱۳۷۶، شماره ۳ و ۴، صص ۴۱-۵۶ .

17-H.taba (1962). Curriculum Development: Theory and practice. Harcourt Brace Tovanrich Newyork.